

روایت‌های نادرست از اشعار سنایی

دکتر یدالله جلالی پندری *

چکیده:

دیوان حکیم سنایی غزنوی (۵۲۹-۴۶۷ هجری) که مجموعاً قصاید، غزلیات و رباعیات او را شامل می‌شود، از جمله دیوانهایی است که تاکنون بیش از یک تصحیح از آن صورت نگرفته است. در این مقاله ضمن معرفی چاپهای دیوان سنایی، تصحیح مرحوم مدرس رضوی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و به جوانب کار مصحح از لحاظ ارزشیابی نسخه‌های خطی دیوان، کیفیت نسخه اساس، چگونگی مقابله نسخه‌ها، ذکر نسخه بدلها و قرائت نسخه‌ها اشاره می‌شود. آنگاه شماری از خطاهایی که به سبب کیفیت نامطلوب تصحیح در این دیوان راه یافته است برای خواننده تشریح می‌شود.

واژه‌های کلیدی: دیوان سنایی غزنوی - تصحیح متن - نسخه‌شناسی

از زمان رواج صنعت چاپ در ایران و هند، دیوان سنایی چند بار به چاپ رسیده است. پیش از ورود به بحث، اشاره‌ای به چاپهای گوناگون دیوان سنایی ضروری است:

۱- چاپ سنگی تهران

این چاپ در ۲۷۴ صفحه متن و هامش به سال ۱۲۷۴ هجری قمری انجام گرفته و قصاید و غزلها در آن به ترتیب الفبایی آمده است. چاپ سنگی تهران همان است که

* - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد

مرحوم مدرس رضوی آن را در چاپ دیوان سنایی (تهران: ۱۳۲۰ و ۱۳۴۱) «نسخه اصل» قرار داده و از آن با صفت «جامع» یاد کرده است.^۱

۲- چاپ سنگی بمبئی

دیوان سنایی چاپ بمبئی با عنوان «کلیات قصاید و قطعات و رباعیات حکیم سنایی غزنوی» به خط جواد بن عبدالغنی جهرمی در ۲۴۲ صفحه متن و هامش کتابت شده و در شوال ۱۳۲۸^۲ در بمبئی به چاپ رسیده است. در ابتدا قصاید به ترتیب الفبای قوافی و بعد از آن ترجیعات و غزلیات و قطعات و رباعیات آمده است.

علاوه بر این چاپ، دیوان سنایی دو بار دیگر در بمبئی چاپ شده است: یکی به سال ۱۳۱۲ قمری در ۱۲۴ صفحه و دیگری به سال ۱۳۱۹ قمری در ۱۰۸ صفحه. ظاهراً دو چاپ اخیر باید گزیده‌ای از دیوان سنایی و یا بخشی از دیوان او (مثلاً قصاید یا غزلیات) باشد.^۳

۳- چاپ تهران، ۱۳۲۰

این چاپ به کوشش استاد مرحوم سید محمد تقی مدرس رضوی (۱۳۶۵-۱۲۷۴) صورت گرفته و همانگونه که گذشت چاپ سنگی تهران را به عنوان نسخه اساس قرار داده و آن را با هفت نسخه خطی مقابله نموده و مقدمه‌ای در شرح احوال و آثار و معاصران و ممدوحان سنایی بر آن افزوده است. این چاپ نخستین طبع انتقادی دیوان سنایی به شمار می‌رود اما «از خطاهای بسیار مصون نمانده و در آن اشتباههای بسیار و گاهی شگفت‌آور راه یافته است.»^۴

مرحوم مدرس رضوی خود در مقدمه به برخی از این اشکالات اشاره کرده است.^۵ درباره روش کار و شیوه تصحیح مرحوم مدرس رضوی، در صفحات آینده مشروحاً سخن خواهیم گفت و همچنین کیفیت کار آن مرحوم را در مقابله نسخه‌های خطی با نسخه چاپ سنگی تهران باز خواهیم نمود.

۴- چاپ تهران، ۱۳۳۶

این چاپ در سال ۱۳۳۶ به کوشش آقای دکتر مظاهر مصفا صورت گرفته و ظاهراً چاپ سنگی تهران مأخذ تصحیح^۶ بوده، اما مصحح سعی کرده خود را از اشتباهات چاپ سنگی تهران که به چاپ مرحوم مدرس رضوی نیز سرایت کرده خود را برکنار بدارد. در مقابله نسخه‌ها که در چاپ آقای دکتر مظاهر مصفا صورت گرفته، مصحح عنایتی به نسخه بدل‌های چاپ مرحوم مدرس نیز داشته است: «ما چون ازین نسخه (=نسخه‌های چاپی مرحوم مدرس رضوی) در طبع و تصحیح دیوان حکیم سنایی و به خصوص از نسخه بدل‌های آن در تصحیح متن‌های غلط بسیار استفاده کرده‌ایم و ...»^۷

اما چنان که بعداً خواهیم گفت متأسفانه در اغلب موارد هیچ اطمینانی به صحت نقل نسخه بدل‌ها در چاپ مرحوم مدرس رضوی وجود ندارد. با این همه چاپ آقای دکتر مصفا از غلط‌های چاپی فراوانی که در چاپ ۱۳۲۰ وجود دارد تا اندازه‌ای برکنار مانده است، اما مصحح این چاپ را تصحیح نهایی دیوان سنایی ندانسته است.^۸

۵- چاپ تهران، ۱۳۴۱

این چاپ، چاپ دوم دیوان سنایی به کوشش استاد مرحوم محمد تقی مدرس رضوی به شمار می‌رود که در سال ۱۳۴۱ به سرمایه انتشارات ابن‌سینا منتشر شده است. از جمله مزیت‌هایی که مرحوم مدرس رضوی برای چاپ دوم ذکر کرده است، مقابله با دو نسخه کهن (یعنی نسخه کتابخانه با یزید ولی‌الدین و نسخه کتابخانه ملی تهران)^۹ است اما چنان که خواهد آمد، این مقابله در همه موارد صورت نگرفته و در آنجا که صورت گرفته نیز نسخه بدل‌ها به درستی ذکر نشده است. مزیت دیگری که استاد مرحوم برای این چاپ برشمرده است «این است که متجاوز از ششصد بیت از قصیده و غزل و رباعی بر چاپ سابق افزونی دارد که از جمله ۲۱ غزل از غزل‌های گمشده سنایی است»^{۱۰} اما چنان که بعداً خواهد آمد، اولاً ۲۷ قصیده و غزل چاپ مرحوم مدرس رضوی در هیچ کدام از نسخه‌های خطی نیامده

و فقط در نسخه چاپی ۱۲۷۴ وجود داشته و ثانیاً ۶۴ قصیده و غزل چاپ مزبور فقط در نسخه مورخ ۱۰۰۳ (محفوظ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران) آمده و ثالثاً مرحوم مدرس رضوی حداقل ۵ غزل را دوبار در دیوان آورده و رابعاً ۱۷ قصیده و غزل این دیوان در دیوانهای عبدالواسع جبلی و سیدحسن غزنوی و امیر معزی به نام این شاعران ثبت است و خامساً اشعار دیگران خطاب به سنایی نیز در این شمارش دخالت داده شده است؛ بنابراین، تعداد اشعار چاپ مرحوم مدرس رضوی قاعدتاً بیانگر هیچ مزیتی نمی‌تواند باشد.

مرحوم مدرس رضوی در چاپ اول دیوان سنایی آرزو کرده است که «چنانچه اوضاع زمان به حال اول باز آید» نقایص این چاپ را جبران نماید.^{۱۱} اصلاح مقدمه البته تا اندازه‌ای^{۱۲} صورت گرفته اما آنچه در این دیوان اهمیت بیشتری داشته یعنی ترجیح حاشیه (نسخه بدل) بر متن^{۱۳} همچنان به حال خود مانده و حتی در چاپ سوم (۱۳۵۴) نیز تغییری نکرده است: «به قدر توانایی سعی نمود که از نسخه بدلها آنچه درست‌تر است در متن گذارده شود و مع‌هذا همه جا رعایت این نکته نشده و گاه آنچه در زیر صفحه آمده است از آنچه در متن گذاشته شده صحیح‌تر می‌نماید»^{۱۴}!

و در این زمان (۱۳۴۱) که نزدیک به بیست و یک سال از تاریخ چاپ اول دیوان می‌گذرد، باز همچنان دیوان سنایی دارای «غلط بسیار»^{۱۵} است، اما در چاپ سوم که بعداً چندین چاپ دیگر نیز از روی آن صورت گرفته اغلاط چاپی بسیاری به چشم می‌خورد و مثلاً به عنوان نمونه فقط در فهرست اشعار دیوان ۲۵ غلط فاحش وجود دارد که اگر تعداد کلماتی را که اشتهاً با کاف یا گاف یا ب و پ یا ب و ی چاپ شده‌اند به این تعداد اضافه کنیم بالغ بر ۱۰۰ غلط چاپی می‌شود.

از آنچه گذشت مجملأً مشخص گردید که یکی از رایجترین چاپهای دیوان یکی از بزرگترین شاعران عارف فارسی چه مایه از پیراستگی و دقت علمی به دور مانده است. مرحوم مدرس رضوی که حداقل ۶۰ سال از عمر نود و چند ساله خود را وقف تحقیق و

تفحص درباره آثار سنایی کرده بود، خود نیز چنانکه شیوه دانشمندان راستین است در چند مورد به این نقص‌ها اذعان کرده است.^{۱۶}

اما برخلاف اظهارات استاد مرحوم که از تواضع عالمانه ایشان نشأت می‌گیرد، در طول نیم قرن گذشته کمتر کسی از استادان ادب فارسی به بیان اشکالات چاپ دیوان سنایی پرداخته و غالباً احترام و ارادتی که همگان به آن مرحوم داشته‌اند، باعث شده که نه تنها متعرض این اشکالات نشوند بلکه درباره خالی از اشکال بودن این چاپ مبالغه ورزند.^{۱۷} اما با این همه کسانی - هر چند اندک- بوده‌اند که احترام و ارادت آنها باعث نگردیده تا حقیقت را فراموش کنند؛ نخستین آنان دکتر مظاهر مصفاست.^{۱۸} بعد از او، دو مستشرق که یکی از آنها سنایی شناس نامداری است؛ یعنی بوواتاس (BO utas) و دویران (de Bruijn) به «لغزشهای گمراه کننده» در چاپ دیوان سنایی اشاره کرده‌اند.^{۱۹} همچنین پروفیسور غلام صفدر ضمن بررسی تاثیر قرآن مجید در دیوان سنایی به چندین اشتباه اشاره می‌کند که با عبارتهای قرآنی تغایر دارد.^{۲۰}

چنانکه به اجمال اشاره شد، دیوان سنایی چاپ استاد مرحوم رضوی از اشکالات چندی بر کنار نمانده است. در اینجا برای روشن‌تر شدن این اشکالات، نخست به تصحیح آن مرحوم می‌پردازیم و آنگاه برخی از اشتباهاتی را که از این شیوه تصحیح سرچشمه گرفته است، ذکر می‌کنیم؛ سپس به عنوان نمونه به نحوه مقابله یکی از مهمترین نسخه‌های خطی دیوان سنایی توسط آن مرحوم می‌پردازیم.

(۱) معرفی نسخه‌ها

در تصحیح متون، چنانکه رسم است، مصحح در مقدمه به معرفی نسخه‌های خطی اساس تصحیح خود می‌پردازد و در این معرفی علاوه بر محل نگهداری نسخه و شماره ثبت آن، به تاریخ کتابت و ویژگیهای رسم الخط آن اشاره می‌کند. این شیوه را مرحوم مدرس رضوی در تصحیح دیوان انوری به کار بسته و مشروحاً از نسخه‌های اساس

تصحیح خود سخن گفته است^{۲۱} اما در دیوان سنایی این کار به اجمال بسیار برگزار شده و حتی در مورد نسخه دهخدا (ص ۱۴۷) و نسخه ملک (ص ۱۴۸) تاریخ تخمینی کتابت آنها را ذکر نکرده، در حالی که آن مرحوم خود نسخه‌شناس منحصر به فردی بوده است^{۲۲} و طبعاً خواننده توقع دارد که تاریخ مکتوب یا تاریخ تقریبی نسخه مورد بحث به وسیله مصحح نسخه‌شناس بیان شود. علاوه بر این، مرحوم مدرس رضوی در چند مورد از چند نسخه خطی نام می‌برد که آنها را در مقدمه معرفی نکرده است؛ مثلاً معلوم نیست که نسخه کابل و یا نسخه برهان آزاد (ص ۱۶۵ مقدمه، ۸۳۲ و ۹۴۳ متن) از چه قرنی است و چه خصوصیتی دارد، یا کلیات سنایی نسخه «برتیش میوزیم»^{۲۳} کدام است و آیا منظور از آن نسخه خطی کتابخانه ایندیآفیس است؟ و اگر چنین است آیا منظور از نسخه لندن^{۲۴} که در مقدمه هیچ اشاره‌ای به آن نشده، همین نسخه است^{۲۵}؟ همچنین آن مرحوم ذکر نکرده که «دو نسخه خطی کلیات سنایی محفوظ در کتابخانه دیوان هند در لندن»^{۲۶} کدام‌هاست و به چه سبب از این نسخ در تصحیح دیوان سنایی استفاده نشده است. نیز در جایی (حاشیه ص ۶۶۸) به نسخه چاپ تبریز دیوان سنایی اشاره می‌کند؛ در حالی که در هیچ‌کدام از کتابشناسی‌ها نشانه‌ای از این چاپ نیست و در مقدمه مصحح هم به چنین چاپی اشاره نشده است!

۲) نسخه اساس

در تصحیح متون ادبی، چنانکه اهل فضل می‌دانند، غالباً قدیمی‌ترین نسخه و به عبارت دیگر اقدام نسخ به عنوان «نسخه اساس» اساس تصحیح قرار می‌گیرد و نسخه‌های متأخر با آن مقابله می‌شوند. در کمتر موردی می‌توان کتاب تصحیح شده‌ای یافت که نسخه اساس آن نه یک نسخه خطی بلکه یک نسخه چاپی باشد در حالی که در دیوان سنایی چنین است و مرحوم مدرس رضوی نسخه چاپ سنگی تهران (۱۲۷۴ قمری) را صرفاً به اعتبار «جامعیت» به عنوان نسخه اساس برگزیده است^{۲۷} اما چنانکه از مقدمه برمی‌آید ظاهراً

صفت ممتاز این نسخه چاپی همان «خط نستعلیق بسیار خوب»^{۲۸} و مرتب بودن به حروف تهجی بوده و نه «جامعیت».

۳) ذکر نسخه بدلها بدون علامت نسخه

از نکات بدیهی در تصحیح متون، مقابله نسخه اساس با دیگر نسخه‌ها و ذکر اختلافات نسخه‌ها (یعنی نسخه بدلها) در حاشیه است، در این کار قبل از ذکر هر اختلاف در حاشیه علامت و یا رمز نسخه مورد اختلاف ذکر می‌گردد تا خواننده بداند که اختلاف ذکر شده مربوط به کدام نسخه است و احیاناً اگر رجحانی در این نسخه بدل نسبت به متن وجود دارد، ارزش نسخه آن چگونه است. اما در دیوان سنایی وضع به گونه دیگری است: «اختلاف نسخه‌ها [را] چنانکه در نسخه‌ها بود در ذیل صفحات بدون اشاره به نسخه آن آورده و فقط اختلافات نسخه کتابخانه ملی ملک را که قدیمیترین نسخه‌های دیوان سنایی است، به علامت مخصوص «م» ممیز گردانید و همچنین نسخه گراوری کتابخانه ملی را به علامت «ع» و نسخه خطی قدیمی همان کتابخانه را به علامت «ف» معین نمود. و در چند صفحه بعد برای نسخه پارساتویسرکانی علامت «پ» و برای نسخه کتابخانه آستان قدس علامت «آ» و برای نسخه دوم کتابخانه ملی ملک علامت «ح» و برای نسخه شاهزاده افسر علامت «ت» ذکر می‌کند.^{۲۹} و برای نسخه دهخدا و سپهسالار علامتی ذکر نمی‌کند! اما در بررسی حواشی دیوان سنایی در این مورد چند نکته به دست می‌آید:

- ۱) در اغلب موارد نسخه بدلها بدون علامت نسخه مورد اختلاف، ذکر شده اند.
- ۲) در سراسر دیوان سنایی از علامتهای ذکر شده (پ-آ-ت-ح) خبری نیست و فقط «ع» و «م» غالباً به چشم می‌خورد و چنانکه بعداً خواهیم گفت، آنچه با علامت «ع» ذکر شده، گاهی اصلاً در نسخه «ع» (نسخه بایزید ولی‌الدین) وجود ندارد!
- ۳) در بررسی حواشی و اختلاف نسخ مشخص می‌شود که مقابله‌ای با نسخه «ف» (نسخه کتابخانه ملی) صورت نگرفته؛ زیرا آنچه با علامت «ف» ذکر شده (و تعداد آنها

بسیار کم است) مربوط به نسخه «پ» (نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران) است. گویا مصحح در ضمن کار فراموش کرده که چه علامتی برای چه نسخه‌ای در نظر گرفته بوده است، مثلاً در حاشیه شماره ۷ صفحه ۸۵۶ عبارتی را به نسخه «ف» نسبت می‌دهد در حالی که نسخه «ف» اصلاً این غزل را ندارد و این اختلاف در نسخه «پ» (نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران) ورق ۲۰۴b آمده است! همچنین در حاشیه شماره ۲ صفحه ۸۳۳ عبارتی را به نسخه «ف» منسوب می‌دارد اما باز نسخه «ف» این غزل را ندارد و این اختلاف در نسخه «پ» نیز نیامده و معلوم نیست مربوط به کدام یک از نسخه‌هاست! نیز در حاشیه ۳ و ۴ صفحه ۱۰۰۰ عبارتی را به نسخه «ف» نسبت می‌دهد و باز نسخه «ف» (و حتی نسخه پ) این غزل را ندارد! از این نمونه‌ها در سراسر دیوان سنایی کم نیست و فهرست این قبیل موارد شاید به چند صفحه برسد.

۴) گاهی علامتی را برای نسخه‌ای ذکر می‌کند؛ در حالی که در مقدمه هیچ‌گونه اشاره‌ای به این علامت نشده و معلوم نیست که علامت مزبور مربوط به کدامیک از نسخه‌هاست، مثلاً ذکر علامت «ج» در حاشیه صفحه ۲۰۹ نمونه‌ای از این قبیل است.

۵) گاهی در یک حاشیه دو علامت مشابه ذکر می‌کند؛ در حالی که معلوم است یکی از دو علامت اشتباه است، مثلاً در حاشیه صفحه ۱۰۰۴ آمده است: «۹-ع: ای بسا سرها که برد از جسمها-ع: برد از دیده‌ها» با ملاحظه اصل نسخه «ع» مشخص می‌شود که علامت اول اشتباه است و البته معلوم نیست که اختلاف ذکر شده مربوط به کدام نسخه است!

۴) عدم ذکر همه نسخه بدلها

در مورد ذکر نسخه بدلها روش مصححان ادبی بر دو نوع است: در روش اول همه اختلافات- حتی اختلافات جزئی- ذکر می‌شود و در روش دوم اهم اختلافات در حاشیه آورده می‌شود و در مقدمه توضیح داده می‌شود که اهم اختلافات و نه همه آنها در حاشیه آمده است. مرحوم مدرس رضوی در تصحیح دیوان انوری و نیز دیوان سید حسن غزنوی

روش دوم را برگزیده است: «اختلافات نسخ را که در نتیجه مقابله پیدا شد آنچه را که مهم و لازم دید در ذیل صفحات یاد داشت نمود.»^{۲۰}

اما در تصحیح دیوان سنایی اشاره‌ای به این موضوع نکرده و بسیاری از نسخه بدلها را نادیده گرفته؛ آن هم نسخه بدلهایی که جزئی و غیر ضروری نبوده، مثلاً در این بیت:

خنده گریند همی لاف زبان بر در تو گریه خندند همی سوختگان در بر تو

(ص ۹۹۷)

نسخه «ع» (بایزیدی ولی‌الدین) به جای «همی» «همه» دارد که اختلافی جزئی نیست. نیز در مصراع دوم به جای «در بر تو» «بربر تو» دارد که قابل توجه است و عدم ذکر آنها در حاشیه قابل توجیه نیست. همچنین در مصراع اول «لاف زنان» دارد که مرحوم مدرس در حاشیه اشتباهاً آن را «لاف کنان» نقل کرده است (البته با فرض اینکه «لاف زبان» در شعر فوق اشتباه چاپی است و منظور لاف زنان بوده که در این صورت نیازی به ذکر پاورقی نبوده است!)

یا در این بیت:

از روی آن صنوبر ما را چراغ باید وز زلف آن ستمگر ما را گزید باید

(ص ۸۷۴)

که مصراع دوم معنی محصلی ندارد؛ مگر اینکه از زلف به یاد عقرب زلف بیفتیم و گزیدن عقرب زلف را «بایسته» بدانیم! اما اختلاف روایت نسخه «ع» که ذکر نشده چنین است:

در زلف آن ستمگر ماوا گزید باید، چنان که پیداست این نسخه بدل نیز جزء نسخه بدل‌های جزئی و غیر ضروری نبوده که مصحح با اتخاذ روش دوم از آوردن آن صرف نظر نماید.

متأسفانه این قبیل نمونه‌ها به چند مورد محدود منحصر نمی‌شود و در سراسر دیوان سنایی حداقل در هر پنج صفحه یک مورد از آن را می‌توان دید.

نکته دیگر در نسخه بدلها ذکر ناقص آنهاست؛ به نحوی که بخشی از اختلافات نسخه ذکر شده و بخش دیگر آن فراموش شده و خواننده از مقایسه متن و حاشیه متحیر می‌شود که نسخه بدل چگونه بوده است، مثلاً در این بیت:

اندر این مجلس به ما شادی^۱ و غمگینی ز خصم چشم بد دور ازدل غمگین و طبع شاد تو
در حاشیه آمده است:

۱-ع: زما شادی در حالی که در اصل نسخه چنین است: اندر این مجلس ز ما دلشادی
و غمگین ز خصم

(ورق ۲۲۱b)

یا در این بیت:

نایب عیسی شدی قبله یکی کن چنو بر دل ترسا نگار رقم دویی و تویی

(ص ۱۰۲۱)

که در حاشیه به جای «دویی» اختلاف نسخه «ع» به صورت «سه‌ای» ذکر شده اما این بخشی از اختلاف نسخه است و همه آن که عبارت را تصحیح می‌کند چنین است: رقم سه و دویی.

گاهی نیز خود مصحح از این نقل ناقص نسخه بدل دچار ابهام می‌شود، مثلاً در این بیت:

روزی بت من مست^۲ به بازار برآمد گرد از دل عشاق به یک بار برآمد

(ص ۱۴۱)

در حاشیه آمده است: ۳-ع: هر بتم؟ در حالی که در نسخه «هر روز بتم» بوده و طبعاً علامت استفهام موردی ندارد.

باز در این مورد نیز نمونه‌ها بیش از این است که به همین چند مورد بسنده می‌شود.

۵) ترجیح حاشیه بر متن

همانگونه که اهل فضل آگاهی دارند، در تصحیح متون، کوشش مصحح بر آن است تا متنی منقح و پیراسته و درست به خواننده عرضه کند و آنچه به عنوان نسخه بدل در حاشیه ذکر می‌شود غالباً اگر صورت تحریف شده و یا مغلوط متن نباشد از نظر تناسب و صحت عبارت، یک یا چند درجه با متن فرق دارد. در دیوان سنایی مصحح اظهار داشته است که به قدر توانایی سعی نمود که از نسخه بدلها آنچه درست‌تر است در متن گذارده شود مع‌هذا همه جا رعایت این نکته نشده و گاه آنچه در زیر صفحه است از آنچه در متن گذاشته شده صحیح‌تر می‌نماید.^{۳۱}

مثلاً در این بیت:

روزی بت من مست به بازار برآمد
گرد از دل عشاق به یکبار برآمد

(ص ۱۴۱)

در حاشیه به جای «گرد از» از نسخه ع «بانگ از» ذکر شده که البته بر متن ترجیح دارد. یا در این بیت:

نه آن عجب که شنیدم که صبرنوش^۱ گدازد
عجب‌تر آنکه بدیدم ز نوش^۲ صبر گدازی

(ص ۱۰۳۱)

که حاشیه ۱۰ و ۱۱ هر دو به جای «نوش» به نقل از نسخه ع «گوشت» دارد و طبعاً حاشیه بر متن ارجح است. هر چند که به جهت رعایت وزن، «گوشت» تلفظی غیرمعمول پیدا می‌کند اما این گونه تلفظ در اشعار قدما بی‌سابقه نیست، مثلاً ناصر خسرو آورده است:

اگر با سگ نخواهی جست پرخاش
طمع بگسل ز خون و گوشت مردار^{۳۲}

و در جای دیگر با کلمه «دوست» نیز چنین کرده است:

گرت جهات دوست است دشمن خویشی دشمن تو دوست است تو دشمن^{۳۳}
یا در این بیت:

هیچ ابدال ندیدی که در او در نگریست که در آن ساعت زنار^{۳۴} چهل گردن بست

(ص ۸۹)

نسخه بدل (ع) «زنار چهل کرد» است که مسلماً بر متن ترجیح دارد البته فعل مصراع

دوم در نسخه (ع) «نبت» است که در حاشیه نیامده است. نیز در این بیت:

کسی کورا عیان یابد خبریش مجال^{۳۵} آید چو خلوت با عیان سازد کجا دل درخبر بندد

(ص ۱۱۰)

نسخه بدل نسخه (ع) «مجال» است و مرجح بر متن، هر چند بقیه کلمات مصراع اول

نیز صحیح نمی‌نماید زیرا «یابد» در نسخه‌های دیگر «باید» است و «پیش» نیز به صورت
«پیشش» آمده است.

همچنین در این بیت:

ای زاهد ابدال چو کردار ببردی سردی مکن آن باده گفتار^{۳۶} مرا ده

(ص ۵۸۶)

نسخه بدل به جای «باده گفتار» «بیهده گفتار» دارد که با توجه به مفهوم مصراع اول بر

متن ارجح است.

و یا در این بیت:

خنجر نو بر سر بهرام ناچرخ زن زنید زخمه نو بر کف ناهید بر بطن زن^{۳۷} نهید

در حاشیه آمده: ۱۲- زخمه و مل در کف ناهید خنیاگر- بر کف ناهید خنجر زن، و

نسخه بدل «ع» که «ناهید بر بطن گر» بوده نقل نشده و چنان که پیداست بیت غلط مسلم قافیه

دارد (چون قافیه بقیه چنین است: خوشتر/دیگر/هم بر ...) و اگر نسخه بدل نسخه (ع) که

نقل نشده، نباشد لااقل «خنیاگر» که در حاشیه آمده بر متن ارجح است و چنین است که

دکتر مظاهر مصفا در این باره به صراحت گفته است: «نسخه مصحح استاد محترم آقای مدرس رضوی چنان که ذکر شد از خطاهای بسیار مصون نمانده و در آن اشتباه‌های بسیار و گاهی شگفت‌آور راه یافته است.. و در قسمت اعظم کتاب حاشیه‌ها بر متن ترجیح دارد.»^{۳۴}

۶- پرهیز از تصحیح قیاسی

در تصحیح انتقادی متون، مواردی پیش می‌آید که نسخه اساس ناقص و یا اشتباه است و روایت هیچ‌کدام از نسخه بدلها نمی‌تواند نقص و اشتباه متن را برطرف کند؛ در اینجا است که شم و شناخت و علم و آگاهی مصحح به کمک او می‌آید تا به شیوه تصحیح قیاسی نظر خود را درباره اشتباه متن بیان کند و طبعاً این یک اظهار نظر است و نه یک حکم مسلّم و تغییرناپذیر، به این ترتیب خواننده به کمک مصحح می‌تواند خود را به روایت صحیح متن نزدیک کند، اما مصحح دیوان سنایی در این باره گفته است: «چون بیشتر مواقع برای غور و دقت در معنی اشعار و پیدا کردن وجه صحیح که معنی روشن گردد، مجال نمی‌یافت و کار چاپ کتاب به تأخیر می‌افتاد از این رو در بسیاری از این مواضع کلمه و جمله همچنان که مغلوط و مشکوک بود به جا مانده و قهراً راهی جز نقل آن به همان صورتی که در نسخ مختلف مضبوط بود، نداشت و آن را چنان که بود بدون تصرف و تغییری آورد و ذوق و سلیقه خود را که بدان اعتمادی نبود، در تصحیح اشعار و لغات و کلمات این دیوان به هیچ روی به کار نبرد و صورت را کماکان محفوظ داشت تا خوانندگان محترم خود به ذوق سلیم خویش آن را اصلاح فرمایند و عمل این بنده موجب گمراهی آنان نگردد.»^{۳۵} در این گفته چند نکته به نظر می‌رسد: نخست آنکه در تصحیح قیاسی مصحح هرگونه تغییر متن را به اطلاع خواننده می‌رساند و صورت مغلوط و یا مشکوک را در حاشیه ذکر می‌کند؛ بنابراین نه تنها هیچگونه گمراهی‌ای برای ذوق سلیم خوانندگان پیش نمی‌آید بلکه آنان می‌توانند به یاری شناخت و آگاهی مصحح که در حین تصحیح تا اندازه‌ای بر ظرایف

سبک شعری شاعر واقف شده است، به صورت صحیح متن پی ببرند و طبعاً اظهارنظر مصحح سد راه ذوق سلیم آنها نخواهد بود، نکته دیگر آنکه: منظور مصحح از «صورت را کماکان محفوظ داشت» آنگاه موجه می‌نماید که در این گونه موارد مصحح در حاشیه یادآوری کند که متن مشکوک و یا مغلوط است؛ در حالی که در سراسر دیوان سنایی به جز چند مورد معدود که در برابر عبارتی علامت استفهام^{۳۶} گذاشته شده، توضیحی درباره مشکوک بودن متن داده نشده و در عوض در دیوان چندین مورد وجود دارد که متن مشکوک و یا مغلوط است و علامت استفهامی هم گذاشته نشده است مثلاً:

تو بر سر کار خویش می‌باش تا ماهله خود همی درآییم

(ص ۹۴۷)

که مصراع دوم مغلوط است زیرا مصحح «گله» را به علت نداشتن سرکش «هله» خوانده و حتی در نسخه بدل «کله» آورده و دیگر اینکه علامت مد در درآییم زاید است و ربطی به «درآمدن» ندارد بلکه «درآیدن» به معنی گفتن و بیهوده گفتن به کار رفته است ناصر خسرو گفته است:

شرف مرد به علم است شرف نیست به سال چه درایی سخن یافه همی خیره به خیر^{۳۷}

۷- غزلهای الحاقی

انتساب یک شعر به دو یا چند شاعر از موارد رایج در شعر کلاسیک فارسی است. مرحوم مدرس رضوی در مقدمه دیوان سنایی گفته است: «چون در جمع این نسخه اعتماد بر نسخه‌های خطی معتبر بود کمتر به اشعار متفرقه‌ای که به نام سنایی ذکر شده توجه نمود.»^{۳۸} از لحاظ «اعتماد به نسخه‌های خطی معتبر» باید گفت که ۲۷ قصیده و غزل دیوان سنایی چاپ مرحوم مدرس رضوی در هیچکدام از نسخه‌های خطی معتبر نیامده^{۳۹} و تعداد ۶۴ قصیده و غزل فقط در نسخه متأخر کتابخانه مرکز دانشگاه تهران^{۴۰} (مورخ ۱۰۰۳) آمده است. در مورد «عدم توجه به اشعار متفرقه‌ای که به نام سنایی ذکر شده» نیز باید گفت

که مثلاً غزل «گر برفکنند ترک من از لاله کلاله» (ص ۱۰۱۱) که در هیچ کدام از نسخه‌های خطی نیامده از مونس الاحرار بدرجاجرمی نقل شده، در حالی که اگر فقط به یک روایت اعتماد روا باشد در همین مونس الاحرار^{۴۱} غزل «هر آن روزی که باشم در خرابات» (ص ۷۳) به برهانی پدر امیرمعزی نسبت داده شده است^{۴۲}. پس بهتر بود که از ذکر این غزل به صرف روایت مونس الاحرار صرف نظر می‌شد!

همچنین مرحوم مدرس رضوی گفته است: «قصاید و غزلیات و همچنین یک بیت و دو بیت اشعاری که از نسخ خطی در این دیوان اضافه شده پس از دقت و اطمینان و بودن در دو نسخه و سه نسخه و با اعتماد کامل به نسخه منقول عنها افزود و قصاید و اشعاری که فقط در یک نسخه دیوان بود و به شعرای دیگر هم نسبت داده شده بود، اگر از اسلوب شعر سنایی دور [بود] و گمان می‌رفت که از آن سنایی نباشد از آوردن در این کتاب خودداری نمود... با این حال دور نیست که بعضی از قصاید و غزلیات این دیوان نیز از آن دیگران باشد چنانکه بعضی از اشعار آن در دیوان شعرای دیگر نیز آمده...»^{۴۳} چنانکه پیشتر نقل گردید مرحوم مدرس رضوی اظهار داشته بود که از دخالت دادن ذوق و سلیقه خود در تصحیح اشعار پرهیز داشته است^{۴۴} اما اکنون به صرف گمان و حدس اینکه شعر منسوب به سنایی از او نیست از آوردن آن در دیوان خودداری می‌کند و از طرف دیگر اذعان می‌دارد که برخی از اشعار دیگران در دیوان سنایی راه یافته است! در حالی که در این قبیل موارد قاعدتاً نه شعری از دیوان خارج می‌شود و نه شعر منسوب به دیگران در داخل اشعار مسلم شاعر قرار می‌گیرد بلکه روش معمول همه مصححان آن است که اینگونه اشعار را در بخش ملحقات می‌آورند تا راه داوری درباره صحت انتساب آنها به شاعر برای خوانندگان باز باشد.

یکی از شاعرانی که برخی از اشعار او در دیوان سنایی آمده، عبدالواسع جبلی (متوفی ۵۵۵ هجری) است که حداقل ۱۳ غزل و همچنین قصیده معروف «منسوخ شد مروت و معدوم شد وفا» از او در دیوان سنایی آمده^{۴۵} و البته تعیین اینکه شعر سنایی در

دیوان عبدالواسع راه یافته یا شعر عبدالواسع در دیوان سنایی کار دشواری است اما نکته قابل توجه اینکه از ۱۳ غزل مزبور ۸ غزل اصلاً در نسخه قدیمی ولی‌الدین نیامده است! و جای تعجب است که مرحوم مدرس رضوی در مقدمه دیوان هنگامی که به ذکر احوال و روابط شاعران معاصر سنایی با او می‌پردازد^{۴۶} نامی از عبدالواسع جبلی نمی‌برد!

همچنین غزل‌های «با من بت من تیغ جفا آخته دارد» (ص ۸۴۵) و «بس که من دل را به دام عشق خوبان بسته‌ام» (ص ۹۲۱) در دیوان امیرمعزی^{۴۷} هم آمده است و غزل «هر آن روزی که باشم در خرابات» (ص ۷۳) به برهانی نیشابوری پدرامیرمعزی نیز نسبت داده شده است.^{۴۸} نیز غزل «ای یار مقامر دل پیش آی و دمی کم زن» (ص ۴۸۲) در ضمن غزل‌های مولوی در کلیات شمس^{۴۹} هم آمده است. همچنین قصیده «خاک را از باد بوی مهربانی آمده است» همانگونه که مرحوم مدرس رضوی خود در حاشیه یادآوری کرده (ص ۸۵) از آن سیدحسن غزنوی است (دیوان سیدحسن، ص ۱۸).

با این تفصیل پیداست که نداشتن بخش «ملحقات» نقص بزرگی در دیوان سنایی چاپ مرحوم مدرس رضوی به شمار می‌رود و در واقع اگر چنین بخشی وجود داشت نه تنها شماری از اشعار منسوب به سنایی به صرف حدس و گمان یا تصور «دور بودن از اسلوب» از دیوان او خارج نمی‌شد بلکه اشعار مظنون و مشکوک نیز در این بخش قرار می‌گرفت و آیندگان خیلی بهتر می‌توانستند درباره صحت انتساب آنها به سنایی به داوری بپردازند.

۸- تقسیم بندی اشعار

یکی از وجوه تمایز دیوان سنایی با سایر دواوین شعرای معاصر او تقسیم‌بندی موضوعی دیوان است که ظاهراً با سلیقه و نظر خود سنایی صورت گرفته و آثار آن در دو نسخه کهن کابل (ص ۲۹۱) و نسخه کتابخانه ملک (ورق ۱۱b تا ۱۹a) به چشم می‌خورد.^{۵۰} مرحوم مدرس رضوی درباره اعمال این تقسیم‌بندی در دیوان مصحح خود چنین گفته است: «پس بهتر همان دید که نسخه چاپ تهران را برای این منظور برگزیند و

ترتیب و تقسیم نسخه «م» (= ملک) را تا اندازه‌ای در آن رعایت نموده و قصاید و زهدیات و مدایح و قلندریات و غزلیات را از هم جدا کرده، ترتیب الفبایی حروف اواخر قافیه را محفوظ دارد که پیدا کردن اشعار سهل باشد چون این عمل هم متضمن مشکلاتی بسود و جدا کردن همه دشوار می‌نمود بهتر آن دانست که مدایح و زهدیات و قلندریات را که در آن نسخه (= نسخه ملک) از یکدیگر جدا ذکر شده در اینجا باهم بیاورد و فقط با علاماتی آنها را از هم امتیاز دهد تا هم رعایت ترتیب الفبایی قوافی شده و هم هریک از این سه نوع (مدایح/زهدیات/قلندریات) چنانکه در آن نسخه (= نسخه ملک) ذکر شده و از اصل آن نسخه افتاده است با آنچه هنوز در آن کتاب (= نسخه ملک) موجود می‌باشد و نسخه حاضر با آن مقابله شده معین شود.^{۵۱}

اما با بررسی متن دیوان معلوم می‌شود که این علامتها نه تنها بیانگر تقسیم‌بندی نسخه ملک نیست بلکه گمراه‌کننده هم هست زیرا اگر کسی بخواهد به اعتبار آنچه در چاپ مرحوم مدرس رضوی آمده، داوری کند که چه غزلی در فهرست نسخه ملک وجود دارد یا وجود ندارد کاملاً دچار اشتباه خواهد شد! توضیح آنکه در بسیاری از موارد، مدلول علامتها آن است که غزل در فهرست ملک نیست اما با بررسی نسخه ملک مشخص می‌شود که غزل مزبور در آن فهرست آمده است!

در این مورد نمونه‌ها بسیار است و اینک چند نمونه برای مثال:

ص ۹۵۹ (ش ۲۷۴) - ص ۹۶۳ (ش ۲۷۹) - ص ۱۰۲۲ (ش ۳۷۴) - ص ۹۶۰ (ش ۲۷۵) - ص ۱۰۰۶ (ش ۳۴۷) - ص ۱۰۰۸ (ش ۳۵۱) - ص ۹۴۴ (ش ۳۲۷).

به این ترتیب معلوم می‌گردد که حتی در کار ساده‌ای همانند ذکر علامت اختصاری برای اشعار هم دقت چندانی اعمالی نگردیده و از آن گذشته مخلوط کردن قلندریات و مدایح و زهدیات نه تنها تقسیم‌بندی موضوعی نسخه ملک را به هم زده بلکه تقسیم‌بندی ساده غزل و قصیده را نیز نادیده انگاشته است! اما ظاهراً مرحوم مدرس رضوی غزلهای

قلندریه را غزل نمی‌دانسته (!) چون گفته است: «دیوان حاضر شامل ۳۱۰ قصیده از مدحیات و زهدیات و قلندریات است که قسمت مهم و عمده کتاب را تشکیل می‌دهد.»^{۵۲} علاوه بر اینها در تقسیم‌بندی قوالب اشعار هم لغزشهایی به چشم می‌خورد از جمله مسمط «المستغاث ای ساریان چون کار من آمد به جان» (ص ۹۰۰) ضمن غزلها آورده شده، در حالی که مرحوم مدرس رضوی خود در حاشیه صفحه ۹۰۴ از آن با عنوان «مسمط» یاد می‌کند! نیز مسمط «ای لعبت مشکین کله بگشای گوی از آن کله» (ص ۹۹۲) ضمن غزلها آمده است. همچنین مصراع اول مسمط «ای یوسف حسن و کشی خورشید خویی و خوشی» به سبب عدم اعمال نسخه بدل نسخه (ع) به صورت «... خورشیدخویی خوش سیر» درآمده و جزء غزلها قرار گرفته در حالی که مسمط است!^{۵۳} نیز ۵ غزل صفحات ۹۵۴-۹۵۲ ظاهراً باید ۵ بند از یک ترکیب بند باشد. همچنین مرحوم مدرس رضوی دو قصیده را که در مرثیه است یکی را در بخش قصاید (ص ۲۳۵) آورده و دیگری را در بخش قطعات (ص ۱۰۹۱) در حالی که اگر قرار باشد همه مرثیه در بخش قطعات قرار گیرند جای قصیده اول نامناسب است و اگر اصل بر رعایت قالب باشد آوردن قصیده در ضمن قطعات موجه نمی‌نماید.

نیز در دیوان اشعار، آن هم در اواسط اشعار، آوردن چند نامه موجه نمی‌نماید. در حالی که مرحوم مدرس رضوی ناگهان در ص ۱۱۹ سه نامه از سنایی می‌آورد. حال آنکه حتی اگر ضرورت اشعار این صفحات ایجاب می‌کرد نامه‌ها در اینجا آورده شود (که البته چنین نیست) قاعدتاً باید نامه‌های مزبور در انتهای دیوان قرار می‌گرفت تا اگر خواننده خواست بتواند به آنها مراجعه کند.

۹- صورتهای نادرست در برخی غزلها

همانگونه که دکتر مظاهر مصفا یادآور شده است دیوان مصحح مرحوم مدرس رضوی «از خطاهای بسیار مصون نمانده»^{۵۴} است، در اینجا برای آنکه وجود روایت‌های نادرست در دیوان سنایی روشن‌تر شود به برخی از این اشکالات اشاره می‌شود:

الف) صورتهای نادرست از نظر مفهوم

در این بخش به ذکر چند نمونه می‌پردازیم که بیت مغشوش است و معنی کاملی از آن به دست نمی‌آید، در برخی موارد ملاحظه می‌شود که با وجود اظهارات مرحوم مدرس رضوی درباره مقابله با نسخه (ع)، عبارت درست این نسخه اصلاً مورد توجه نبوده و متن مغلوط مانده است:

□ ما رانه بدین سستی زین پیش همی جستی ای خسته از آن خستی آخرچه ملالست این
(ص ۹۸۹)

مصراع دوم چنانکه پیداست مغلوط است و صورت صحیح «ای جسته بدان چستی» است.

□ عشق مردی هست قائم گر برو جانها بزد پاکبازی کو که باشد عاشق و هم نرد عشق
(ص ۹۱۵)

مصراع اول مغشوش است و صورت درست آن در نسخه (ع) چنین است: عشق نردی هست قائم کو بزد جانرا به زخم

□ تا چند سنایی نوان را چون خر بزنج فرو گذارم
(ص ۶۲۹)

در مصراع دوم «بزنج» اشتباه و «بریخ» درست است، بریخ گذاشتن به معنی عاجز و ناتوان کردن است: «چون به سخن گفتن و هنر رسند چون خر بریخ بمانند» (بییهقی به نقل از لغت‌نامه دهخدا).

□ دل چوگوی و دوست چون چوگان بود عشاق را تازنخدانش چوگوی و دوست چون چوگان بود
(ص ۸۶۸)

بدیهی است که در نظر عشاق، معشوق همانند چوگان نیست و کلمه دوست در مصراع اول و دوم تناسب معنایی بیت را به هم زده است، در مصراع اول به جای دوست باید «پشت» قرار گیرد و در مصراع دوم «زلف» تا تناسب معنایی بیت حفظ شود.

□ هیچ ابدال ندیدی که درو در نگریست که در آن ساعت زنار چهل گردن بست
(ص ۸۹)

در مصراع دوم صورت نسخه (ع) یعنی «زنار چهل گردن نیست» درست است. (در مورد «زنار چهل گردن» مراجعه شود به کتاب: در اقلیم روشنایی تالیف آقای دکتر شفیعی کدکنی، ص ۱۷۶).

□ دیده حور بر آن خاک همی رشک برد که بران نقش ز لعل سرکوی تو بود
(ص ۸۷۰)

در مصراع دوم عبارت «لعل سرکوی تو» معنی مناسب ندارد و صورت صحیح «نعل سگ کوی تو» است.

□ بس که ز بس جستن دل دوستی دل رکین ما شد و ز دینی گذشت؟
(ص ۸۳۴)

مصراع دوم در هم ریخته و ناقص است و مرحوم مدرس رضوی نیز علامت استفهام به نشانه مغنوط بودن در جلو بیت گذاشته است در حالی که در نسخه (ع) که در اختیار آن مرحوم بوده آمده است: دل ز کف ما شد و دنیا گذشت.

□ تو بر سر کار خویش می باش تا ماهله خود همی در آئیم
(ص ۹۴۷)

در مصراع دوم «هله» اشتباه و «گله» درست است ولی مرحوم مدرس رضوی نه تنها «گنه» را به علت نداشتن سرکش گاف «هله» خوانده بلکه نسخه بدل آن را نیز به صورت

«کله» نقل کرده است! همچنین «درآییم» اشتباه و «دراییم» درست است و درآیدن به معنی بیهوده گفتن است (لغت‌نامه دهخدا، ذیل درآیدن)

□ وز خیال چهره غماز رنگ آمیز او پس به رسم حاجیان گه طوف و گه قربان کنیم
(ص ۴۱۲)

عدم تناسب مصراع اول و دوم آشکار است زیرا دو مصراع فوق از دو بیت مختلف است که در نسخه (ع) که ظاهراً دیوان سنایی با آن مقابله شده، چنین آمده است:

وز خیال چهره غماز رنگ آمیز او چهره‌ها رنگین کنیم و دیده‌نرگسدان کنیم
کعبه سازم از دل و جان عاشقی را گرد او پس به رسم حاجیان گه طوف و گه قربان کنیم
(ورق ۱۴۳b)

□ سجده تست سنایی تو؟ تا زان شده در قفایت ای دوست

(ص ۸۲۰)

مرحوم مدرس رضوی کلمه «بیچاره» را که کاتب قلم انداز با اتصال (الف) و (ر) نوشته بود «سجده» خوانده و دچار ابهام شده است!

آنچه گذشت شمه‌ای بود از اهم برخی از اشتباهاتی که تنها در بخشی از دیوان سنایی اتفاق افتاده است، اگر بخواهیم این بررسی را به همه دیوان گسترش دهیم و یا همه اشکالات را بیان کنیم چندین صفحه از این مقاله را در بر خواهد گرفت. علاوه بر آن نگارنده از ذکر اشکالات دیگری مانند: نسل کافور به جای نسل آهو (ص ۲۴۷ بیت ۱)، باز مفروض به جای یار مفروض (ص ۹۱۰ ب ۵)، آن باده گفتار به جای بیهوده گفتار (ص ۵۸۶ ب ۹)، بتا به جای تنا (ص ۶۱۳ ب ۱۱)، رگ نخلیت به جای رگ نحسیت (ص ۶۹۷ ب ۸)، حرف آن به جای حرف «کن» (ص ۴۲۱ ب ۳)، کمال هجر به جای کمان هجر (ص ۹۱۰ ب ۱۰)، نوش به جای گوشت (ص ۱۰۳۱ ب ۷)، کان کمان به جای کاف کمال (ص ۹۱۵ ب ۲)، پیکران به جای بیکران (ص ۷۹۵ ب ۴) و در غیب به جای ور عیب (ص ۱۷۲ ب ۹)، صرف نظر کرد تا برحجم صفحات افزوده نشود. چنانکه پیداست در غالب موارد

صورت درست نسخه (ع) (= نسخه ولی‌الدین) می‌توانسته مصحح را از اشتباه برکنار بدارد اما ظاهراً یا مقابله با این نسخه به وسیله خود آن مرحوم صورت نگرفته و یا اینکه به سبب دشواریهایی که در قرائت نسخه مزبور وجود داشته این کار به مسامحه برگزار شده است.

ب- صورتهای نادرست از نظر وزن و قافیه

اشکالاتی که در تصحیح و چاپ دیوان سنایی پدید آمده به اشکالات معنایی منحصر نمی‌شود بلکه در پاره‌ای موارد این اشکالات در وزن اشعار و یا قافیه و ردیف آنها نیز به چشم می‌خورد. دکتر مصفا چهل سال پیش از این در این باره گفته است: «در قسمت اعظم کتاب حاشیه‌ها بر متن ترجیح دارد و گاه به گاه به شعرهای خارج از وزن نیز آمیخته است.»^{۵۵} در اینجا برای روشن شدن مطلب به چند نمونه از آنها اشاره می‌کنیم:

□ سجاده ز پیش برگرفتیم طامات بر سر نهادیم

(ص ۴۰۱)

که وزن مصراع دوم مختل است و صورت درست این مصراع چنین است: طامات ز سر فرو نهادیم.

□ چو آمد روی برویم که باشم چه خوش وقتی بود با من که من بی‌خویشتن باشم

(ص ۹۳۰)

علاوه بر قافیه مصراع اول، وزن این مصراع نیز مختل است و صورت درست آن در ۳ نسخه‌ای که ظاهراً مورد مراجعه مرحوم مدرس رضوی بوده (یعنی نسخه ع-پ-ف) چنین است: چون آمد روی مه رویم که باشم من که من باشم.

□ من می‌روم و رقتم و خواهم رفتن کمتر غم اینست که گویند نشاید

(ص ۱۷۸)

مصراع اول برای موزون شدن ناقص است و باید «خواهم» به «می‌خواهم» تبدیل شود تا نقص آن برطرف گردد.

□ آن به که یکی قلندری وار می‌گیریم ار چه دانشمندیم

(ص ۴۰۱)

وزن مصراع دوم اختلال دارد چون باید به جای «دانشمندیم» کلمه «داشمندیم» قرار گیرد.

□ همه ره طوطیان چون زاغند خویشان را شکر مکن سم کن

(ص ۴۹۹)

مصراع اول موزون نیست چون به جای «همره» «همه ره» آمده است.

□ ای مه نو بروی تو دیده واندر تو ماه نو بخندیده

(ص ۱۰۱۰)

وزن هر دو مصراع مختل است در مصراع اول بعد از «ای» باید کلمه «من» و در مصراع دوم بعد از «تو» باید کلمه «به» قرار گیرد تا وزن دچار اختلال نشود.

□ بس که ز بس جستن دل دوستی دل رکین ما رشد وز دینی گذشت

(ص ۸۳۴)

مصراع دوم مخدوش است و صورت درست «دل ز کف ما شد و دینی گذشت» است.

□ زیبا نگار نازنین رخ چون گل و بر یاسمین پاکیزه چون حور عین پیرایه خلدبرین

(ص ۷۸۵)

وزن مصراع دوم مختل است و براساس نسخه‌ها «حور عین» باید به «ماء معین» تغییر یابد تا مصراع موزون شود یا «چون» به «همچون» مبدل شود.

□ عاشقی باید کنون رنگ گل گوید سخن کی شود در دل چون لاف از رنگ ناپیدازند

(ص ۱۵۷)

مصراع اول ناموزون است و برای رفع این حالت نسخه بدل «کنون» یعنی «که تا از» باید جایگزین متن شود.

□ خنجر نو بر سر بهرام ناچرخ زن زیند زخمه نو بر کف ناهید بر بط زن نهید
(ص ۱۸۱)

در شعری که این بیت از آن است «نهید» ردیف و قوافی آن «خوشر /دیگر / اختر» است، در این بیت «بربط زن» اشتباه است و نسخه بدل نسخه (ع) که ذکر نشده یعنی «بربطگر» یا نسخه بدل ذکر شده یعنی «خنیاگر» درست است.

□ من ندانم که من کجا رفتم کس نداند که من کجا رفتم
(ص ۹۲۶)

قوافی ابیات قبلی «پیمودم» و «آسودم» است و در این بیت قاعدتاً باید «کجا بودم» باشد.

ج- اغلاط چاپی

در دیوان سنایی اغلاط فاحشی به چشم می‌خورد که می‌تواند مفهوم بیت را مخدوش یا دگرگون کند. در اینجا برای نمونه به ذکر چند مورد از آنها می‌پردازد:

ص ۵۲۹ ب ۵: گر پس دهی (غلط) ← پس گر دهی (درست)

ص ۵۷۰ ب ۸: خاک سگ کوی ← خاک سر کوی

ص ۸۰۳ ب ۹: چو من ← چمن

ص ۹۶۳ ب ۷: حروف کلک ← مزخرف کلک

ص ۸۶۴ ب ۱: بی‌نقص ← کی (= که) نقص

ص ۹۶۵ ب ۱: گر گوید ← اگر گویم

ص ۱۰۱۷ ب ۶: مرا بجویی ← مرا بجوئید

ص ۹۹۶ ب ۱۰: یاسمینت ← تاسمنت

بدخوانی یک نسخه

نسخه (ع) (نسخه بایزید ولی‌الدین) قدیمی‌ترین نسخه‌ای است که در مقابله دیوان سنایی، مرحوم مدرس رضوی به آن عنایت داشته است: «علاوه بر نسخ فوق که در چاپ اول دیوان^{۵۶} مورد استفاده قرار گرفته بود در چاپ حاضر^{۵۷} با دو نسخه زیر نیز مقابله و از بعضی نسخ دیگر که بدانها نیز اشاره شده استفاده شد: ۱- نسخه عکسی کتابخانه ملی فرهنگ که از روی یکی از نسخ قدیمی کلیات اشعار سنایی متعلق به یکی از کتابخانه‌های اسلامبول میکروفیلم آن تهیه شده است و این نسخه در چاپ اول بدست نبود و با مقابله آن با نسخه «چاپ شرکت طبع کتاب»^{۵۸} بر ابیات دیوان افزوده شد. خصوصیات کتابتی این نسخه مانند نسخ قدیمی است و اکثراً رعایت رسم‌الخط قدما در آن شده است و علامت اختصاری آن در نسخه حاضر (ع) است.»^{۵۹} در اینجا برای آنکه نحوه رفتار مرحوم مدرس رضوی با این نسخه مشخص شود به بررسی روش ذکر نسخه بدلهای این نسخه می‌پردازیم، علت انتخاب این نسخه آن است که نسخه (ع) تنها نسخه‌ای است که نسخه بدلهای آن با علامت (ع) در پاورقی ذکر شده در حالی که نسخه بدلهای نسخه‌های دیگر - چنانکه قبلاً اشاره شد - بدون هیچگونه علامتی که نشانه‌ای بر شناخت آنها باشد در حاشیه آمده‌اند. علاوه بر آن، این نسخه قدیمی‌ترین نسخه دیوان سنایی در تصحیح دیوان سنایی بوده و اگر مرحوم مدرس رضوی نسخه چاپ سنگی تهران (۱۲۷۴ قمری) را نسخه اساس چاپ خود قرار نمی‌داد قاعدتاً این نسخه باید نسخه اساس آن تصحیح قرار می‌گرفت. در اینجا در چند بخش مجزا به قرائت‌های نادرست نسخه، نقل ناقص نسخه بدلهای، عدم نقل نسخه بدلهای و نسبت دادن اشتباهی بدلهای نسخه‌های دیگر به این نسخه می‌پردازیم و در هر مورد چند نمونه می‌آوریم.

۱- قرائت‌های نادرست

در تصحیح غزل‌های سنایی و مقابله آنها با دیوان چاپی و ملاحظه آنچه در نسخه‌ها آمده و آنچه در حواشی دیوان چاپی نقل شده به موارد عدیده‌ای از قرائت‌های نادرست نسخه‌ها

برخوردد شد که در اینجا برای نمونه چند مورد را می‌آوریم و گرنه نقل همهٔ موارد- بسی
بیش از اینهاست.

ص ۴۸۴ حاشیه ۷: چون بر سر روز و شب خورشید زدی آنگه □ نسخه ع ...
خرپشته زدی آنگه

ص ۴۸۹ ج ۹: دست منت در رکاب سید سادات □ ن: دست سنت ...

ص ۴۲۱ ح ۸: پهای خاکپای تست سر □ ن: سنایی خاک کوی تست بر

ص ۴۸۱ ح ۱: بر روی آن فردای دعوی دار □ ن: بر روی آن قرای دعوی دار

ص ۴۰۸ ح ۱۸: یا نمی □ ن: به می

ص ۴۱۲ ح ۲: لباس دوستی را بر سر فرمان □ ن: لباس نیستی را ...

ص ۸۸۳ ح ۷: از آن پا و از این دست بر آن روی و بر آن دل □ ن: ازان پای و درین

دست بر آن روی و برین دل.

ص ۸۰۷ ح ۷: پیش گل گر بغنود □ ن: پیش گل گر بغنود

ص ۸۰۵ ح ۱: فکر □ ن: مکر

ص ۸۵۲ ح ۹: یکی را که خدای روح تاخت □ ن: ... روح ساخت

ص ۸۶۵ ح ۳: شیب است گویی با زور می جدال □ ن: با زور ...

ص ۸۷۹ ح ۳: بیچاره سنایی خود نگفت □ ن: ... نگفتست

ص ۸۷۵ ح ۲: چون شمع اگر بگوید حلقش برید □ ن: ... اگر بگرید ...

ص ۸۶۸ ح ۱: ز سیر صورت او □ ن: ز شیر صور آوا

ص ۸۴۴ ح ۴: ماهیتش ز □ ن: ماهیتش ز

ص ۸۴۳ ح ۷: وگر تو خود نه‌ای جز جان □ ن: وگر خود تو نه‌ای ...

۲-نقل ناقص نسخه بدلها

در برخی موارد نسخه بدل‌های نسخه (ع) به صورت ناقص نقل شده، به نحوی که نه تنها کمکی به خواننده نمی‌کند بلکه اگر خواننده به قرائت‌های مرحوم مدرس رضوی اعتماد کند به اشتباه می‌افتد. در اینجا به ذکر چند نمونه از آنها می‌پردازیم:

ص ۳۸۵ ح ۸: در دیده (صورت ناقص) ← در دیده نشین به جای دیده (صورت کامل)

ص ۳۹۰ ح ۹: او محترم ← او محتشم تو محترم

ص ۴۰۳ ح ۵: برنهند ← بی‌مکان پی بر نهند

ص ۴۰۷ ح ۱۱: نای جان را خوش ← نای گوش جان را خوش

ص ۵۴۹ ح ۱۱: با قد چو الف ← دل چون یا قد چون الف

ص ۵۹۱ ح ۳: چرخ گیراست ← چرخ گیر ارباشد آن دم

ص ۷۹۷ ح ۷: خوشدل کنم ← هر زمان دل برامید وصل تو خوشتر کنم

ص ۸۰۵ ح ۸: آتش هجر ← بت من آتش هجر

ص ۸۱۷ ح ۱۰: هرچه مان زان آمد ← هرچه مان زان دلربا آمد

ص ۸۴۲ ح ۲: چو تو ← آفاق چو تو

ص ۸۵۲ ح ۱۱: جان ما استاد پیش آن پسر ← جان ما استاد پیش خاک پای آن پسر

۳-نادیده گرفتن نسخه بدلها

مرحوم مدرس رضوی در مقابله نسخه چاپ سنگی تهران با نسخه قدیمی (ع) در بسیاری از موارد نسخه بدل‌های این نسخه قدیمی را ذکر نکرده است و این در حالی است که این نسخه بدلها جزء نسخه بدل‌های جزئی و بی‌اهمیت نیستند و در غالب موارد می‌توانند متن مغلوپ را تصحیح کنند، در اینجا برای نمونه به ذکر چند مورد می‌پردازیم

وگرنه حواشی نسخه چاپی نگارنده در هر صفحه خود حداقل ۳ مورد نسخه بدل ذکر شده دارد که ذکر همه آنها در اینجا به چندین صفحه می‌رسد.

□ هرگه که بگشایی دهن گردد جهان پرسترن بر تو ثنا گوید چون من * ریگ و مطرسنگ و نبات عالی چو کعبه کوی تونه * خاکپای روی تو بردولب خوشبوی توجان را بدل دارد حیات (ص ۸۰۳)

نسخه ع: * چمن * مه

□ بود سنایی یکی با بت * و در حسن تو توبه و سوگند را جمله به هم در شکست (ص ۸۱۴)

نسخه ع: * تائب

□ ای همه معنی شده از لطف محض دعوی * عشق تو ز دعوی گذشت بس که ز بس جستن دل دوستی دل رکیبن ما شد و زدینی * گذشت (ص ۸۳۴)

نسخه ع: * دعوت * دل ز کف ما شد و دینی

□ من ز غم رفتم ولی ترسیدم * از نظاره ای کاندرین ساعت برین ره حوریا حورا گذشت (ص ۸۳۳)

نسخه ع: * رفتم ز پی پرسیدم.

□ عشق مردی هست قائم گر برو جانها بزد * پاکبازی کوکه باشد عاشق وهم نرد عشق (ص ۹۱۵)

نسخه ع: * عشق نردی هست قائم کو بزد جان را به زخم

□ دوست نیکی کنند آن که * دو دوست ناصوابست ناصواب مکن (ص ۹۸۲)

نسخه ع: * دوست یکی بسنده کن که.

۴- ذکر نسخه بدل و عدم ذکر علامت آن

با اینکه نسخه (ع) تنها نسخه‌ای است که مرحوم مدرس رضوی در حواشی صفحات دیوان ضمن نقل نسخه بدل‌های آن علامت آن را هم ذکر می‌کند اما موارد عدیده‌ای وجود دارد که روش معمول در مورد عدم ذکر علامت نسخه‌ها^۱ براین استثنا غلبه کرده و نسخه بدل‌های نسخه (ع) بدون علامت (ع) ذکر شده است برای نمونه به چند مورد اشاره می‌شود:

صفحه ۸۶۷ (حاشیه او ۲) - ص ۸۶۵ (ح ۵) - ص ۸۶۴ (ح ۵) - ص ۸۱۲ (ح ۲ و ۵ و ۶) - ص ۸۷۷ (ح ۲) - ص ۸۸۶ (ح ۵) - ص ۸۹۷ (ح ۲) - ص ۸۳۳ (ح ۲) - ص ۸۰۸ (ح ۱۱) - ص ۸۹۵ (ح ۷) - ص ۷۹۱ (ح ۵ و ۴) - ص ۷۸۶ (ح ۲) - ص ۹۱۰ (ح ۱) - ص ۹۱۵ (ح ۱۰) - ص ۹۲۷ (ح ۱۰) - ص ۹۷۴ (ح ۶) - ص ۹۷۵ (ح ۱۴) - ص ۹۲۲ (ح ۲) - ص ۹۴۵ (ح ۵) - ص ۹۵۳ (ح ۵) - ص ۹۵۷ (ح ۲) - ص ۹۶۱ (ح ۲) - ص ۱۰۰۴ (ح ۱) - ص ۱۰۰۶ (ح ۱۵) و ...

۵- انتساب نسخه بدل‌های نسخه‌های دیگر به نسخه (ع)

در برخی موارد نیز مصحح دیوان سنایی نسخه بدل‌های نسخه‌های دیگر را اشتباهاً با علامت (ع) ذکر می‌کند اما بعد از مراجعه به اصل نسخه معلوم می‌شود که چنین قرائتی در نسخه (ع) وجود ندارد و نسخه بدل ذکر شده مربوط به نسخه‌های دیگر است. در این مورد نیز به ذکر چند نمونه می‌پردازیم:

صفحه ۷۷ (ح ۱) - ص ۷۹۱ (ح ۶) - ص ۸۰۴ (ح ۴) - ص ۸۲۱ (ح ۸) - ص ۸۳۳ (ح ۳) - ص ۸۵۷ (ح ۵) - ص ۹۰۱ (ح ۱۲ و ۷) - ص ۹۹۸ (ح ۸) - ص ۹۹۹ (ح ۸) - ص ۱۰۰۴ (ح ۹) - ص ۱۰۲۴ (ح ۵) - ص ۱۰۳۲ (ح ۴) - ص ۱۰۳۸ (ح ۱۰).

علاوه بر این در چند مورد که مصحح برخلاف روش معمول خود استثنائاً علاوه بر علامت (ع)، علامت (ف) (نسخه قدیمی کتابخانه ملی) را ذکر می‌کند باز نسخه بدل ذکر شده در نسخه (ف) (نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه) وجود ندارد: ص ۸۵۶ (ح ۷) - ص ۹۰۵ (ح ۵) - ص ۱۰۰۰ (ح ۳ و ۴ و ۶ و ۷) - ص ۱۰۲۰ (ح ۷).

۶- اشکالات دیگر

در برخی موارد نسخه بدلهایی که از نسخه (ع) نقل شده با متن تفاوتی ندارد، در این مورد چنین به نظر می‌رسد که مصحح تلفظ دیگر و یا تلقی دیگری از آنچه در نسخه (ع) آمده بوده داشته است، مثلاً

بر پشت چمن سمن برآمد ما روی برآن سمنبر آریم*
(ص ۹۵۳)

و نسخه بدل (ع) چنین ذکر شده: *سمن برآریم، چنانکه پیداست نسخه بدل با متن تفاوتی ندارد زیرا کاتب نسخه (ع) در بسیاری از موارد کلمات مرکب را به صورت مجزا کتابت می‌کند پس تلقی مصحح که «بر» را به جای پسوند کلمه «سمن» پیشوندی برای فعل «آریم» پنداشته درست نیست یا:

اگر خواهی ارواح مرغان علوی فرود آری* از شاخ طویی به سنگی
(ص ۱۰۳۴)

نسخه بدل ذکر شده «فروداری» است که با متن تفاوتی ندارد زیرا کاتب در بسیاری از موارد علامت مد را نمی‌نویسد، علاوه بر آن در نسخه (ع) فاصله‌ای میان (و) و (د) به چشم نمی‌خورد، بنابراین تلقی مصحح که مفهوم عبارت نسخه را فروداشتن به جای فرود آوردن در نظر آورده است درست نیست.

اشکال دیگری که در نحوه مقابله مصحح به چشم می‌خورد، آن است که در چندین مورد ذکری از ابیات اضافی نسخه (ع) نمی‌کند، در حالی که در مقدمه آمده است: «این نسخه (= نسخه ع) در چاپ اول بدست نبود و با مقابله آن با نسخه چاپ شرکت طبع کتاب بر ابیات دیوان افزوده شد.»^{۶۱} مثلاً در صفحه ۱۰۲۴ (غزل ۳۷۷) ذکری از این بیت اضافی نسخه (ع) که بعد از بیت ۵ قرار گرفته نشده است:

ما را همه دلسوزی زانست کی تو با ما پی در ره دلجویی بس خام نهادستی
(ورق ۲۵۰a)

یا درص ۴۰۳ اشاره نشده که بعد از بیت اول این صفحه، نسخه (ع) دو بیت اضافی دارد. همچنین است در ص ۹۰۱ بعد از بیت ۸ که نسخه (ع) دو بیت اضافه دارد، نیز در صفحه ۱۰۳۹ (غزل ۴۰۰) اشاره‌ای نشده که نسخه (ع) بعد از بیت ۵ این غزل بیت ذیل را اضافه دارد:

ندارد هیچ سرگردان بجز از کوی او کعبه ندارد هیچ صاحب دل به جز عشق ورا دینی
(ورق ۲۴۵b)

اما در یک مورد که مصحح استثنائاً اشاره می‌کند که نسخه (ع) و (ف) یک بیت اضافه دارند (ص ۸۲۱ ح ۸) و بیت اضافه را ذکر می‌کند از قضا بیت مزبور نه تنها در نسخه (ع) نیست بلکه نسخه (ف) اصلاً غزل مزبور را ندارد و معلوم نیست آن بیت از کدام نسخه نقل شده است!؟

همچنین در بسیاری از موارد در حاشیه اشاره نشده که بیت ذکر شده در متن در نسخه (ع) نیست، در حالی که در بسیاری از غزل‌های چاپ مرحوم مدرس رضوی ابیاتی وجود دارد که نه تنها در نسخه (ع) بلکه در سایر نسخه‌های قدیمی و معتبر نیامده است، مثلاً در صفحه ۹۰۳ (غزل ۱۷۸) بیت ۴ و ۱۰ و ۱۱ این غزل در نسخه (ع) نیست، یا در ص ۹۰۸ (غزل ۱۸۵) بیت ۷ غزل مذکور در نسخه (ع) نیامده است. همچنین است صفحه ۹۸۸ (غزل ۳۱۹) که ۳ بیت این غزل در نسخه نیست و یا صفحه ۸۰۰ (غزل ۱۶) که ۹ بیت غزل در نسخه (ع) نیست و یا صفحه ۴۰۲ (غزل ۱۸۶) که بیت ۵ آن در نسخه (ع) نیامده است. نیز در صفحه ۳۸۸ (غزل ۱۸۰) غزل مزبور ۴۵ بیت دارد که فقط ۳۱ بیت آن در نسخه (ع) آمده و البته در هیچ‌کدام از این موارد در حاشیه اشاره‌ای به نبودن ابیات مزبور در نسخه (ع) نشده است.

نکته جالب اینکه حتی در موردی که مصحح غزلی را فقط از یک نسخه نقل کرده باز همین گونه اشتباهات به چشم می‌خورد مثلاً در صفحه ۸۶۱ که غزل ۱۱۶ را از نسخه کابل نقل می‌کند این تفاوتها با اصل نسخه به چشم می‌خورد:

۱- بیت سوم را نیاورده است:

دلیم ببرد یکی دلبر سیاه بلون چو دل، سیاه رباید قمر چه سود کند

(نسخه کابل ص ۵۵۲)

۲- در نسخه آمده: قضای بد چو بیامد در متن چاپی آمده: قضای بد چو بیاید.

۳- در نسخه آمده: چو تیر بر جگر آمد در متن چاپی آمده: چو تیر بر جگر آید.

و یا چنانکه پیشتر گذشت آنچه با علامت (ف) (نسخه کتابخانه ملی) نقل شده در اغلب موارد در این نسخه وجود ندارد و معلوم نیست نسخه بدل کدام یک از نسخه‌ها اشتباهاً به (ف) نسبت داده شده است.

به هر حال از آنچه گذشت، مشخص می‌شود که نحوه مقابله نسخه‌ها در دیوان سنایی و روایت‌هایی که به عنوان نسخه بدل در حاشیه صفحات ذکر شده، متأسفانه قابل اعتماد نیست. علاوه بر آن، چنانکه در این صفحات شمه‌ای از اشتباهات این چاپ ذکر گردید با کمال تأسف غیر از حاشیه، متن اشعار نیز غالباً روایت درست و برگزیده نسخه‌ها نیست و علاوه بر اغلاط چاپی فراوان، خطاهای معنایی بسیاری در سراسر دیوان به چشم می‌خورد که آنچه در برخی از اشعار اتفاق افتاده بود اشاره‌ای به آن شد و البته اشعار دیگر نیز از این گونه خطاها برکنار نمانده است.

امید است با دسترسی به نسخه‌های کهن‌تر، تصحیح مجدد همه دیوان سنایی برای رسیدن به صورت درست اشعار این شاعر عارف امکانپذیر گردد. مرحوم مدرس رضوی خود نیز چنین آرزو کرده است: «امید است پس از این به کوشش فضلا و دانشمندان و جوانان با ذوق و نیز به استعانت نسخ تازه دیگر که بعداً بدست آید سایر اشعار سنایی که در دیوان نیامده جمع گردد و اغلاطی که هنوز باقی مانده صورت صحیح آن یافت شود.»^{۶۳} اما تا آن زمان باید با احتیاط بسیار به چاپ مرحوم مدرس رضوی نگریست.

یادداشت‌ها:

- ۱- دیوان سنایی، به کوشش مدرس رضوی، (چاپ سوم؛ تهران: کتابخانه سنایی، ۱۳۵۴)، ص ۱۴۳ مقدمه.
- ۲- مرحوم مدرس رضوی آن را در شوال ۱۳۳۸ نوشته که اگر اشتباه چاپی نباشد سهوالقلم آن مرحوم است.
- ۳- بنگرید به: فهرست کتابهای چاپی فارسی تالیف خانابامشار (تهران: ناشر= مولف، ۱۳۵۱)، جلد دوم، ستون ۲۳۱۹.
- ۴- دیوان حکیم سنایی به کوشش دکتر مظاهر مصفا (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۳۶)، ص دویست و پانزده.
- ۵- دیوان سنایی (تهران: شرکت طبع کتاب، ۱۳۲۰)، ص فا و فب (= ۸۲و۸۱).
- ۶- دیوان سنایی به کوشش دکتر مظاهر مصفا، ص دویست و پانزده.
- ۷- همان، ص دویست و شانزده.
- ۸- همانجا
- ۹- درباره این نسخه‌ها نگاه کنید به محمدتقی دانش پژوه: فهرست میکروفیلیمهای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۸)، جلد اول، ص ۱۶۴، نیز: سیدعبدالله انوار: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ایران (تهران: کتابخانه ملی، ۱۳۶۵)، جلد ۵، ص ۴۷۳.
- ۱۰- دیوان سنایی به کوشش مدرس رضوی، ص ۱۶۷ مقدمه
- ۱۱- دیوان سنایی (تهران: شرکت طبع کتاب، ۱۳۲۰)، ص فب (= ۸۲).
- ۱۲- مقدمه مصحح در این چاپ ۱۳۴۱ و نیز ۱۳۵۴ همانست که برای چاپ سابق (۱۳۲۰) نگاشته شده جز آنکه بعضی تغییرات مختصر در آن داد و بعضی اشتباهات آن را اصلاح نمود. (ص ۱۶۶ مقدمه).
- ۱۳- دیوان سنایی (تهران: ابن سینا، ۱۳۴۱)، ص عو (= ۷۶)
- ۱۴- دیوان سنایی (چاپ سوم، تهران: کتابخانه سنایی، ۱۳۵۴)، ص ۱۴۵ مقدمه.
- ۱۵- دیوان سنایی (تهران: شرکت طبع کتاب، ۱۳۲۰)، ص فب (= ۸۲).
- ۱۶- دیوان سنایی، ص ۱۴۵، ۱۶۶ و ۱۶۷ مقدمه.

- ۱۷- مثلاً مرحوم دکتر سادات ناصری در مصاحبه با کیهان فرهنگی، میراث ماندگار (مجموعه مصاحبه‌های سال اول و دوم مجله کیهان فرهنگی) (چاپ دوم، تهران: انتشارات موسسه کیهان، ۱۳۶۹)، ص ۱۱۹. آن را «یکی از بهترین کارهای مربوط به حکیم سنایی» دانسته است.
- ۱۸- دیوان سنایی به کوشش دکتر مظاهر مصفا (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۳۶)، ص دوپست و پانزده.
- ۱۹- اسموژنسکی. مارک: ساختاری رمزی سیرالعباد الی المعاد به انضمام متن انتقادی آن (پایان‌نامه دکتری ادبیات فارسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۶)، ص ۹۹ و ۱۰۳.
- ۲۰- غلام صفدر: تاثیر قرآن مجید در دیوان سنایی (کابل: دانشگاه کابل، ۱۳۵۶ خورشیدی) ص ۳۹-۴۴.
- ۲۱- دیوان انوری به اهتمام محمدتقی مدرس رضوی (چاپ اول، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۷)، جلد اول، ص ۱۴۹-۱۲۰ مقدمه.
- ۲۲- «ایشان در نسخه‌شناسی نیز به قدری متبحر هستند که احدی من خیال نمی‌کنم در زمان ما به این تبحر و دقت و حضور ذهن رسیده باشد...» سخنان مرحوم مهرداد اوستا در مصاحبه با کیهان فرهنگی، میراث ماندگار ص ۱۲۰.
- ۲۳- دیوان سنایی، ص ۸۶ مقدمه، نیز: مثنویهای حکیم سنایی، ص ۱۳.
- ۲۴- دیوان سنایی، ص ۱۲۲ متن.
- ۲۵- مثلاً مرحوم مدرس رضوی در مقدمه حدیقه (ص ۳۸) از نسخه ایند یا انگلیش یاد کرده که منظور ایند یا آفیس است.
- ۲۶- دیوان سنایی، ص ۸۷ مقدمه، درباره نسخه‌ها بنگرید به:
Ethe, Heriman: Catalogae of persian Manuscripts in the library of the India office (Oxford, 1903) P. 172.
- ۲۷- دیوان سنایی، ص ۱۴۳ مقدمه.
- ۲۸- همان، ص ۱۴۳ و ۱۴۴ مقدمه.
- ۲۹- دیوان سنایی، ص ۱۴۶-۱۴۹ مقدمه.
- ۳۰- دیوان انوری، جلد اول، ص ۱۵۰ مقدمه، نیز دیوان سیدحسن غزنوی (چاپ دوم، تهران: انتشارات اساطیر ۱۳۶۲)، ص ۴۱۴.
- ۳۱- دیوان سنایی، ص ۱۴۵ مقدمه.

- ۳۲- دیوان ناصر خسرو به تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق (تهران: موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک‌گیل، ۱۳۵۷)، ص ۱۹.
- ۳۳- همان، ص ۱۶۹.
- ۳۴- دیوان سنایی، به کوشش دکتر مظاهر مصفا، صفحه دویست و پانزده.
- ۳۵- دیوان سنایی، ص ۱۴۵ مقدمه.
- ۳۶- همان، صفحات ۸۲۷، ۸۳۴، ۹۸۲، ۱۰۱۱.
- ۳۷- دیوان ناصر خسرو، به تصحیح مینوی و مهدی محقق، ص ۲۲۰.
- ۳۸- دیوان سنایی، ص ۱۶۵ مقدمه.
- ۳۹- دیوان سنایی، صفحات ۱۳۳، ۱۶۳، ۱۷۰، ۱۷۷، ۳۴۸، ۳۶۲، ۳۸۳، ۳۸۵، ۵۰۸، ۵۷۲، ۶۰۲، ۶۹۴، ۸۸۷، ۸۹۸، ۹۰۴، ۹۲۷، ۹۳۶، ۹۵۳، ۹۷۰، ۹۷۸، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۱، ۱۰۳۵، ۱۰۴۰.
- ۴۰- علامت این نسخه در تصحیح مرحوم مدرس رضوی پ (پارسا تویسرکانی) است.
- ۴۱- مونس‌الاحرار به نقل از مقدمه دیوان امیرمغزی به تصحیح عباس اقبال (تهران: کتابفروشی اسلامی، ۱۳۱۸)، ص د (=۴).
- ۴۲- در دیوان سنایی، ص ۷۳ اشاره‌ای به این نسبت نشده است.
- ۴۳- دیوان سنایی، ص ۱۴۵ و ۱۴۶ مقدمه.
- ۴۴- همان، ص ۱۴۵ مقدمه.
- ۴۵- دیوان سنایی ص ۴۸ (دیوان عبدالواسع جلیلی به کوشش دکتر ذبیح‌الله صفا (چاپ سوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۱)، ص ۱۳)، ۱۱۸ (۵۰۵)، ۸۶۰ (۵۱۵)، ۸۹۸ (۵۲۹)، ۸۹۱ (۵۳۱)، ۹۱۲ (۵۳۹)، ۹۲۲ (۵۴۹)، ۹۲۳ (۵۵۱)، ۵۰۶ (۵۶۳)، ۱۰۳۴ (۵۸۰)، ۱۰۲۳ (۵۸۳)، ۱۰۱۸ (۵۸۴)، ۶۲۷ (۵۸۹)، ۹۰۰ (۶۴۰).
- ۴۶- دیوان سنایی، صفحات ۱۴۰-۱۲۸ مقدمه.
- ۴۷- دیوان امیر مغزی به تصحیح عباس اقبال، صفحات ۷۷۷ و ۷۸۱. نیز: دیوان سنایی، ص ۱۳۴ مقدمه.
- ۴۸- همان، ص د (= ۴).

- ۴۹- کلیات شمس تبریزی به تصحیح بدیع الزمان فروزانفر (چاپ سوم تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۱)، جلد چهارم، ص ۱۵۳.
- ۵۰- دربارۀ نسخه کامل بنگرید به: کلیات اشعار حکیم سنایی غزنوی (کابل: موسسه انتشارات بیهقی، ۱۳۵۶)، ص یک و دو.
- ۵۱- دیوان سنایی، ص ۱۴۴ مقدمه.
- ۵۲- دیوان سنایی، ص ۱۴۳ مقدمه.
- ۵۳- آقای دکتر مظاهر مصفا دو غزل «ای وفا ای پاسبان آشوب کن یک زمان» (ص ۹۶۰ مدرس) و «ای کوب عالی درج وصلت حرامست و حرج» (ص ۸۳۶ مدرس) را نیز جز مسطها آورده‌اند (دیوان سنایی، چاپ دکتر مظاهر مصفا، صفحات ۶۷۰ و ۶۳۸).
- ۵۴ و ۵۵- دیوان سنایی به کوشش دکتر مظاهر مصفا، ص دوپست و پانزده.
- ۵۶- منظور چاپ اول دیوان سنایی است که در سال ۱۳۲۰ منتشر شده بود.
- ۵۷- منظور چاپ دوم دیوان سنایی است که در سال ۱۳۴۱ منتشر گردید.
- ۵۸- منظور چاپ اول دیوان است که به سرمایه شرکت طبع کتاب منتشر شده بود.
- ۵۹- دیوان سنایی، ص ۱۵۰ و ۱۵۱ مقدمه.
- ۶۰- اختلاف نسخه‌ها ارا چنانکه در نسخه‌ها بود در ذیل صفحات بدون اشاره به نسخه آن آورده (دیوان سنایی، ص ۱۴۵ مقدمه).
- ۶۱- دیوان سنایی، ص ۱۵۱ مقدمه.
- ۶۲- دیوان سنایی، ص ۱۶۷ مقدمه.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۱.
- اسموژنسکی، مارک: ساختار رمزی سیرالعباد الی‌العماد به انضمام متن انتقادی آن، پایان‌نامه دکتری ادبیات فارسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.

- افشار، ایرج (و) دانش پژوه، محمدتقی؛ فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملی ملک، جلد دوم، تهران: کتابخانه ملک، ۱۳۵۴، جلد دوم.
- افشار، ایرج: فهرست مقالات فارسی، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: انتشارات جیبی، ۱۳۵۶.
- انوار، سیدعبدالله: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ایران، جلد پنجم، تهران: کتابخانه ملی، ۱۳۵۶.
- انوری ابیوردی: دیوان انوری، دو جلد، به تصحیح مدرس رضوی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۷.
- بشیر، علی اصغر: سیری در ملک سنایی، کابل: انتشارات بیهقی، ۱۳۵۶، خورشیدی.
- جاجرمی، محمدبن بدر: مونس الاحرار فی دقائق الاشعار، دو جلد، با مقدمه محمد قزوینی، به کوشش میر صالح طبیبی، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۳۷ و ۱۳۵۰.
- جبلی، عبدالواسع: دیوان عبدالواسع جبلی، به تصحیح دکتر ذبیح‌ا... صفا، چاپ سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۱.
- خلیلی، خلیل‌الله خان: احوال و آثار حکمی سنایی غزنوی، کابل: انتشارات بیسقی، ۱۳۵۶ خورشیدی.
- خلیلی، خلیل‌الله خان: نسخه‌ای نادر از کلیات آثار حکیم سنایی غزنوی، کابل: دارالتالیف وزارت معارف، ۱۳۳۸ خورشیدی.
- دانش پژوه، محمدتقی: فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۸.
- دهخدا، علی اکبر: لغت‌نامه، چاپ اول از دوره جدید، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
- رازی، شمس‌الدین محمدبن قیس: المعجم فی معاییر اشعار العجم، به تصحیح محمد قزوینی و با مقابله مدرس رضوی، چاپ سوم، تهران: کتابفروشی زوار، ۱۳۶۰.



- سجادی ضیاءالدین: جشن‌نامه مدرس رضوی، تهران: انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی، ۱۳۵۶.
- سنایی غزنوی، حکیم ابوالمجد مجدود بن آدم: حدیقه الحقیقه، به تصحیح مدرس رضوی، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.
- سنایی غزنوی، حکیم ابوالمجد مجدود بن آدم: دیوان اشعار حکیم سنایی غزنوی، به کوشش محمدتقی مدرس رضوی، چاپ اول، تهران: شرکت طبع کتاب، ۱۳۲۰.
- سنایی غزنوی، حکیم ابوالمجد مجدود بن آدم: دیوان اشعار حکیم سنایی غزنوی، به کوشش محمدتقی مدرس رضوی، چاپ سوم، تهران: کتابخانه سنایی، ۱۳۵۴.
- سنایی غزنوی، حکیم ابوالمجد مجدود بن آدم: دیوان اشعار حکیم سنایی غزنوی، تهران، کارخانه چاپ آقامیرباقر طهرانی، ۱۳۷۴ قمری (چاپ سنگی).
- سنایی غزنوی، حکیم ابوالمجد مجدود بن آدم: دیوان حکیم سنایی، به کوشش دکتر مظاهر مصفا، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۳۶.
- سنایی غزنوی، حکیم ابوالمجد مجدود بن آدم: طریق التحقیق [منسوب به سنایی]، به تصحیح و حواشی: بوواتاس، سوئد، ۱۹۷۳.
- سنایی غزنوی، حکیم ابوالمجد مجدود بن آدم: کلیات اشعار حکیم سنایی غزنوی (چاپ عکسی نسخه کابل)، کابل: موسسه انتشارات بیهقی، ۱۳۵۶.
- سنایی غزنوی، حکیم ابوالمجد مجدود بن آدم: کلیات قصاید و غزلیات حکیم سنایی غزنوی، بمبئی: مطبعة میرزا محمد ملک الکتاب خانصاحب، ۱۳۲۸ (چاپ سنگی).
- سنایی غزنوی، حکیم ابوالمجد مجدود بن آدم: مثنویهای حکیم سنایی، با تصحیح و مقدمه: سیدمحمدتقی مدرس رضوی، چاپ دوم، تهران: انتشارات بابک، ۱۳۶۰.
- سنایی غزنوی، حکیم ابوالمجد مجدود بن آدم: مکاتیب سنایی، با تصحیح و حواشی: نذیر احمد، چاپ دوم، تهران: کتاب فرزاد، ۱۳۶۲.

- شفیعی کدکنی، محمدرضا: تازیانه‌های سلوک (نقد و تحلیل چند قصیده از سنایی)، چاپ اول، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۷۲.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا: در اقلیم روشنایی (تفسیر چند غزل از حکیم سنایی غزنوی)، چاپ اول، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۷۳.
- صفدر، غلام: تاثیر قرآن مجید در دیوان سنایی، کابل: انتشارات دانشگاه کابل، ۱۳۵۶ خورشیدی.
- غزنوی، سیدحسن: دیوان سیدحسن غزنوی ملقب به اشرف، به کوشش مدرس رضوی، چاپ دوم، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۶۲.
- فروزانفر، بدیع‌الزمان: سخن و سخنوران، چاپ چهارم، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۹.
- کیهان فرهنگی: مصاحبه با استاد مدرس رضوی نقل در: میراث ماندگار (مجموعه مصاحبه‌های سال اول و دوم مجله کیهان فرهنگی) چاپ دوم، تهران: انتشارات موسسه کیهان، ۱۳۶۹، صفحات ۱۳۱-۱۱۶.
- محقق، مهدی: کهن نسخه‌ای از دیوان سنایی، مجله راهنمای کتاب (سال پنجم، شماره هفتم، مهر ۱۳۴۱)، صفحات ۵۸۹-۵۸۶.
- مشار، خانابابا: فهرست کتابهای چاپی فارسی، تهران: ناشر = مولف، ۱۳۵۱، ۵ جلد.
- معزی نیشابوری، محمدبن عبدالملک: دیوان امیرالشعراي معزی نیشابوری، به تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۱۸.
- منزوی، احمد: فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، لاهور: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۶۷، جلد نهم.
- منزوی، احمد: فهرست نسخه‌های خطی فارسی، تهران: موسسه فرهنگی منطقه‌ای، ۱۳۵۰، ۶ جلد.

- منزوی، علی نقی: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۲، جلد دوم.
- مولوی، جلال‌الدین محمد: کلیات شمس تبریزی، به تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، چاپ سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۱، ده جلد.
- ناصرخسرو: دیوان ناصرخسرو به تصحیح مینوی و مهدی محقق، تهران: موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل، ۱۳۵۷.